

خلق های جهان

برای برانداختن تجاوزکاران امریکائی و چاکران آنها متحد شوید

اظهاریه مائوتسه دون - ۲۰ مه ۱۹۷۰

خارجی است، با کشوری در بحبوحه آشفتنی روبرو است و در نهایت منفرد شده است. جنبش توده های اعتراضی بر تجاوز امریکایی کاسیج در سراسر جهان برانگیخته میشود. دولت پادشاهی اتحادملی کاسیج در مدت کوتاهی روز پس از تشکیل از طرف تقریباً بیست کشور برسمیت شناخته شده است. جنگ مقاومت خلق های ویتنام، لائوس و کامبوج در برابر تجاوز امریکایی و بخاطر رهائی ملی هر روز وضع بهتری پیدا میکند. مبارزه مسلحانه انقلابی خلق های جنوب شرقی آسیا، مبارزه خلق های کره، ژاپن و سایر ممالک آسیا برضد احیای میلیتاریسم ژاپن که بدست مرتجعان امریکائی و ژاپنی تدارک میشود، مبارزه خلق فلسطین و سایر خلق های عرب برضد تجاوزکاران امریکائی - اسرائیلی، مبارزه خلق های آسیا، آفریقا و امریکای لاتین در راه رهائی ملی و همچنین مبارزه انقلابی خلق های امریکای شمالی، اروپا و اوقیانوسیه با جوش و خروش گسترش می یابد. خلق چین از خلق های سه گانه هندوچین و سایر خلق های جهان در مبارزه انقلابی آنان برضد امریکالیسم امریکایی و چاکرانش مصممانه پشتیبانی میکند. امریکالیسم امریکایی قیافه غول دارد ولی در واقع چیزی دیگر جز بزرگ کاذبی نیست و نمیدانند در تلاش است. در جهان امروز در واقع چه کسی از چه کسی بترسد؟ این خلق های ویتنام، لائوس، کامبوج، فلسطین، سایر کشورهای عربی و خلق های دیگر نیستند که از امریکالیسم امریکایی میترسند. این امریکالیسم امریکایی است که از خلق های جهان میترسد و از گسترش حرکت به سرا - سیکی می افتد. شواهد بی شماری ثابت میکند که هدف عادلانه پیوسته از پشتیبانی وسیع برخوردار میگرد و حال آنکه پشتیبانی هدف عالمانه است که کشور ناسوان بر کشوری نیرومند میباید غالب آید و کشوری کوچک بر کشوری بزرگ.

خلق کشوری کوچک اگر همت بمبارزه بکارند، اگر به اسلحه دست یابند و سرنویس تکیه بر خورشید است - این قانون تاریخ است. خلق های جهان برای برانداختن تجاوزکاران امریکائی و چاکران آنها متحد شوید!

امروز اوج جدیدی از مبارزه برضد امریکالیسم امریکایی در سراسر جهان برپاست. پس از جنگ جهانی دوم امریکالیسم امریکایی و آنها که بدنبال وی روان اند هیچگاه از مبارزه با جنگ های تجاوزکارانه باز نایستاده اند و خلق های برای اینکه تجاوزکاران را سر جای خود بنشانند همواره بجنگ انقلابی دست زده اند. خطر جنگ جهانی جدید همچنان باقی است و خلق های گیتی باید برای آن آماده باشند. ولی کرایش عمده در جهان امروز انقلاب است.

تجاوزکاران امریکائی که از غلبه در جنگ ویتنام لائوس عاجز مانده اند کودتای ارتجاعی در ویتنام لائوس - سون - یونیک مانساک را برپا کردند، بشیرمانه به کامبوج فرستادند و مبارز ویتنام شمالی را از سر گرفتند، و این امر مقاومت خشم آگین خلق های هندوچین را برانگیخت. من از روحیه پیکارجوی ساندک نوردم - سیانوک، رئیس دولت کامبوج، بر علیه امریکالیسم امریکایی و چاکران وی مجدانه پشتیبانی میکنم. من از اعلامیه مشترک کفرانس سران خلق های هندوچین مجدانه پشتیبانی میکنم. من از تشکیل دولت پادشاهی اتحادملی که زیر رهبری جبهه واحدملی کامبوج قرار دارد مجدانه پشتیبانی میکنم. خلق های سه گانه هندوچین با تحکیم وحدت خویش، با پشتیبانی و کمک متقابل یکدیگر با پایداری در جنگ توده ای طولانی خواهند توانست بر همه دشواری ها غلبه کنند و پیروزی کامل بدست آورند.

امریکالیسم امریکایی در عین حال که در خارج بکشتار دست میزند در داخل کشور خویش بکشتن سپیدان و سیاهان مشغول است. اقدامات قهرآمیز فاشیستی نیکسون شعله های سوزان نهضت انقلابی توده ها را در امریکای برانگیخته است. خلق چین از مبارزه انقلابی خلق امریکایی مصممانه پشتیبانی میکند. خلق امریکایی که در مبارزه دلیرانه پیروز خواهد شد و سلطه فاشیستی در امریکای به شکستی ناکریر دچار خواهد آمد. چنین است اعتقاد من. دولت نیکسون دستخوش دشواری های فراوان داخلی

اعلامیه دربارهٔ دسیسهٔ یم کودتا

در این اواخر رژیم پادشاهی به صحنه سازی دست زد و با استفاده از ضعف یحیانت این و آن و نیز با توسل به سند سازی در اثبات تاثیرات مثبت اصلاحات در عین خود فتوا جمع میکند. این شیوه کار حکومت کودتا امروزی نیست. شاه و دربار گردانان دیگر امریکالیسم در ایران بزودی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ از خود اوند کاران خویش انهام گرفتند که همیشه باید عوام فریبی را با حیوس و تشکجه و اغوا بکار ببرند. در سال های بلافاصله پس از کودتا بمنظور درهم شکستن روحیه ها، از عده های از کفرانان حکومت نظامی و سازمان امنیت بزور تشکجه های در منشاء "تفرنامه" میکشیدند و مثنی از خائنان به خلق را به نوشتن و انتشار مجله "محرط" واداشته بودند.

اینک حکومت کودتا شیوه "رواج" "تفرنامه" و انتشار "عبرت نامه" را از سر گرفته است. چرا؟ زیرا که گلوله های زهر آگین محمد رضا شاه و نیز گلوله های شکرآلود وی که بصورت "اصلاحات" برخق زحمتکش ایران باریده هرگز نتوانسته است تن های برهنه و شکم های گرسنه چشمهای مغزهای هوشیار و دست های کوشا را از احساس و اندیشه و عمل باز دارد. محمد رضا شاه نمیتواند سرورده حشم و نفرتی را که از سراسر ایران شکر تخت و تاج اوست حس میکند و میخواهد آبی بر آن بپاشد. محمد رضا شاه آگاهی روز افزون خلق ایران نفوذ در امن گستر مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسه دون و تلاش سرخسار مارکسیست - لنینیست را در احیای حزب عبث کارگرد عرصه ایران می بیند و میخواهد کمرهای ایجاد کند، تفرقه بیفکند، شبهه و بدگمانی در میان مبارزان برانگیزد.

کتاب "انقلاب سفید" شاه را بگورگان دبستانی مای - خوانند و روزنامه های مزدور سازمان امنیت در جعل اخبار و مدح "انقلابات دوازده گانه" در ادوفاحت میدهند، هر سال به سبب صحنه سازی روز ۶ بهمن ۱۳۴۱ چراغانی می کنند صفحات جرائد را با تانگراهای تبریک و سپاسگزاری میپوشانند و حتی کمیته های خارجی نیز بوضع مضحکی در این تلکراف بازی شرکت میکنند. امریکالیسم های امریکائی و رویزونیست های شوروی هیچ فرصتی را در ستایش شاه و اصلاحاتش از دست نمی دهند. . . . و معدنک امروز محمد رضا شاه مجبور است که خائنی بناید و از او نام "مرجع کمونیستی" برای تبرئه رژیم خود فتوا بخورد. این اقدام در درجه اول نشانه ضعف رژیم است. نشانه آنست که دیوار شکسته حکومت کودتا فوراً ریخته است.

اما این "مرجع کمونیستی" برای محمد رضا شاه چه کسوف کرده است؟ کشف کرده است که صنایع ایران با سرمایه داخلی میکردند نه با سرمایه خارجی.

این دروغ و سواد روزگاری گفته میشود که مطبوعات ایران هر روز از نفوذ تازه سرمایه خارجی خبر میدهند. هیچ رشته مهم اقتصادی در ایران نیست که بقیه در صفحه ۳

پنججاه سالگی حزب کمونیست ایران

کردید. اما بیانیاید که حکومت رضاخان با یورش سبعانه به حیات حزب کمونیست پایان بخشید. قانون سیاه ۱۳۱۰ هر گونه فعالیت کمونیستی را در ایران ممنوع کرد و این قانون هم اکنون نیز بقوت خود باقی است. علی رغم قانون سیاه سازمان سیاسی طبقه کارگر بار دیگر بصورت گروه دگر تنقی ارانی سر بلند کرد و در شرایط پنهان کاری شدیده تبلیغ مارکسیسم - لنینیسم پرداخت تشکیلات تازه ای را پایه گذاری کرد. این گروه نیز پس از اندک مدتی همبسته شهرمانی مختاری گرفتار آمدند و کسر ارانی رهبر عالیقدر جنبش کمونیستی ایران در زندان رضاخان بدست درخیمان شهرمان بقتل رسید.

در شهریور ۱۳۲۰ با ورود ارتشهای متفقین به ایران و فرار رضاخان دوباره زمینه برای احیای حزب طبقه کارگر ایران فراهم آمد و حزب توده ایران تأسیس گردید. حزب توده ایران ادامه دهنده کار حزب کمونیست ایران و گروه ارانی بود. فعالیت حزب توده ایران در مبارزه با امریکالیسم و فتورالیسم، در متشکل ساختن توده های کارگران، دهقانان، روشنفکران، جوانان و زنان و کشاندن آنها بمبارزه برای احقاق حقوق خویش در رسیدن با استبداد و دفاع از آزادیهای دموکراتیک، در اشباع مارکسیسم - لنینیسم، تراتب دامنه دار و تروکستریه تراز گذشته بود. مبارزه همچنان به حزب توده ایران روحیه مبارزه جوئی را در کارگران، دهقانان و روشنفکران و سطح آگاهی سیاسی و متشکل سازمانی توده های زحمتکش را بدرجه بقیه در صفحه ۳

غرض تویهای اکسیر به پروتار یای سراسر جهان و از آنجمله به رنجبران کشورهای خاور زمین خبر داد که دوران مبارزه مسوی فقیه آمیزان بخاطر رهائی از اسارت ملی و اجتماع آفازید گرفته است، خبر داد که دوران جدیدی در تاریخ کشور شده که در آن فقط طبقه کارگر میتواند توده های رنجبران را از قید هرگونه اسارت و هرگونه ستم آزاد سازد. از همان موقع در عده ای از کشورهای شرق و از آنجمله در کشور ما ایران حزب سیاسی طبقه کارگر بنیاد گذاشته شد. حزب طبقه کارگر ایران اکنون پنججاه سال است که به اسامی گوناگون در زیر کاپو و وحشتناک رژیم استبدادی که هیچگاه دست از سر وی برنداشته به نبرد خود ادامه می دهد.

درست در پنججاه سال پیش در خرداد ۱۲۹۹ (ژوئن ۲۲-۲۵) در کنگره انزلی حزب کمونیست ایران تأسیس گردید که نقطه آن در انقلاب مشروطیت ایران بسته شد و حزب عدالت پایه گذار آن بود. حزب کمونیست ایران طبقه کارگر را متشکل ساخت و برای احقاق حقوقی بمبارزه کشانید، سازمانهای حزبی در سراسر کشور ایجاد کرد، به تبلیغ ایدئولوژی طبقه کارگر پرداخت و بیش از ده سال به شیوه های گوناگون و از آنجمله مبارزه مسلح علیه امریکالیسم پارتی جاع جنگید. بدیهی است حزبی جوان و نوجوان که در شرایط بحرانی پس از انقلاب اکبر میبزمید نمیتوانست در خطا و اشتباه مصون ماند. در کنگره دوم بنام کنگره ارومیه (۱۳۰۶) حزب اشتباهات و انحرافات خود را اصلاح کرد و با نیروی بیشتری وارد صحنه مبارزه

زنده باد آسیای آزاد

"فقط آن روز که کارگر و دهقان هندی، چینی، سره ای، ژاپنی، ایرانی، ترک دست در دست یکدیگر بکشد و در راه هدف مشترک رهائی خویش به پیش روند پیروزی قطعی بر استثمارگران ناممکن خواهد شد. زنده باد آسیای آزاد".
لنین در مه ۱۹۲۰

درد پر شور و افتخار بر زندانیان سیاسی

درباره طرح مسئله ملی

کشور ایران کنونی است چند ملتی. و در کنار تضاد هائی
 با - تضاد نوده - در همان بارزیم نیمه فئودالی، تضاد کارگر -
 ار - بورژوازی، تضاد کارگران با دهقانان، تضاد اجتماعی زن با
 مرد - منبره ... تضاد میان ملت های مختلف ایران نیز وجود دارد
 که بصورت ستم ملی ظاهر میگردد. انقلاب ایران در مراحل مختلف
 خود حل گشته، این مسائل نائل خواهد آمد. ولی حل هیچیک از این
 مسائل - و از جمله مسئله ملی - بدون غلبه بر امپریالیسم و هیئت
 حاکمه دست نشانده آن میسر نخواهد بود. و غلبه بر امپریا -
 لیزم و هیئت حاکمه دست نشانده آن کار همه ملت های کشور است
 که - اتحاد کامل نوده ها تحت رهبری حزب واحد طبقه کارگر سر
 اثر عمل کنند. وقتی که ما از انقلاب ملی و دموکراتیک سخن می
 گوئیم منظورمان از " ملی " بودن انقلاب جنبه ضد امپریالیستی
 آن است نه وابستگی آن باین یا آن ملت ایران. فقط پیروزی
 اتحاد ملی و دموکراتیک بر رهبری طبقه کارگر میتواند امکان حاصل
 یافت مسئله از تضاد ها و از جمله تضاد ملی را - بر اساس حقیقت
 تعیین سرنوشت خود - فراهم آورد.

پیرو مرحله انقلاب ملی و دموکراتیک باید خط مرزی را
 بر همه ملت های ایران از یک سو و امپریالیسم و هیئت
 حاکمه از سوی دیگر رسم کرد. آن مسئله مهمی که در مارکسیسم
 بسبب بعنوان " مسئله ملی و مستعمراتی " مطرح میگردد به
 عمیر طریق بر واقعیت ایران منطبق میشود. مسئله ملی و
 مستعمراتی مسئله داخلی کشورهای آسیا و آفریقا و امریکای
 دانی نیست بلکه مسئله ارتباط آنها با امپریالیسم جهانی است.
 استالین در مصاحبه با نخستین هیئت نمایندگان کارگرا
 ایرک در آنجا که نوآوری های لنینیسم را بر می شمارد، در مورد
 مسئله ملی و مستعمراتی چنین میگوید:

الف - لنین نظریات مارکس و انگلس را " در یک سیستم
 موروثی مشتمل بر نظریات مربوط به انقلاب های ملی و مستعمراتی
 - عصر امپریالیسم جمع کرد. بد - مسئله ملی و مستعمراتی را
 یا مسئله واژگون کردن امپریالیسم مرتبط ساخت. ج - مسئله
 ملی و مستعمراتی را جزئی از مسئله عمومی انقلاب جهانی پرو
 تارینی اعلام نمود "

و در اصول لنینیسم میگوید:

با پیدایش لنینیسم " مسئله ملی از صورت مسئله خصوصی
 و - حتی دولت ها بصورت مسئله های همگانی و بین المللی،
 خصوص - مسئله های جهانی مربوط به خلق های ستمکش کشورها
 وابسته و مستعمره از یوغ امپریالیسم درآمد "

لنین در کتبه دوم انترناسیونال کمونیستی توضیح داد
 که بهترین مضمون تزهائی که درباره مسئله ملی و مستعمراتی
 بگردد تسلیم شد (و تصویب رسید) عبارت بود از " فرقی که ا -
 نشن میان خلق های ستمکش و خلق های ستمگر ". آنکاه
 سن در تفکیک خلق های ستمکش از خلق های ستمگر چنین گفت
 " صفت مشخصه امپریالیسم در اینست که تمام جهان ...
 در سه - حاضر تقسیم شده است به عده کثیری خلق های ستمکش
 و عده بسیار قبلی خلق های ستمگر که ثروت های هنگفت و نیروی جنگو
 عصبی در اختیار دارند. اگر بنگریم ... با خلق های ستمکش
 است که یاد روایتی مستقیم مستعمراتی بسر میبرند و یا ما -
 نت بجه مستعمره ای هستند مانند ایران، ترکیه، چین، ویا بوسیه
 یک دولت بزرگ امپریالیستی مغلوب شده و از طریق قرارداد ها
 صحت وابستگی شدید آن دولت درآمد هاند "

باین طریق طرح مسئله از طرف لنین روشن است. لنین
 مسئله ملی را بر اساس تحلیل اقتصادی و سیاسی امپریالیسم
 بصورت یکی از مظاهر ستم امپریالیستی، بصورت مسئله ای جهانی
 و ضد امپریالیستی مطرح میکند. بهترین مضمون تزهائی لنینی
 عاریت از تفکیک خلق های ستمگر امپریالیستی از خلق های
 ستمکش ضد امپریالیستی. لنین، ایران چند ملتی و ترکیه چند ملتی
 چیر چند ملتی را - در مسئله ملی - یکجا در برابر امپریالیسم
 می گذارد.

مناقشه بعضی ها در طرح مسئله ملی این مهم ترین
 مضمون تزهائی لنینی را فراموش میکنند، رابطه مسئله ملی را با
 امپریالیسم از نظری اندازند و مسئله ملی را از مسئله ای
 جدا - و در آنجا که تضاد ایران و مرتبط با تضاد های درونی ملت های

یاد آوری تاریخی ... بعضی صحنه را حاشین استثمار سرمایه
 های امپریالیستی نماید. چیزی که در نیای کونی از محالات
 است. - بین ترتیب ادعای " جنبه ملی " جنبی بر اینکه میتواند
 صین و مدافع این تعالیم مناقض باشد ادعائی باطل است.
 " جنبه ملی " نه تنها ماهیت طبقاتی خود را میبوشاند
 بلکه بر همه سیاسی خود را نیز در پشت شعار " راه ما راه
 مصدق است " پنهان میدارد. بدون شك آقای دگر مصدق
 بعزت آنکه عنیه امپریالیسم انگلستان بمبارزه " شریختی دست
 زد و - امپریالیسم امریکائی تسلیم نشد مورد احترام همگان
 است. ما هیچکس بدستی نمیدانند راه مصدق چگونه راهی
 است. - هرمان جنبه ملی هم که مقالات فصل در مدح و ستای
 دگر مصدق مینگارند نه تنها تاکنون راه مصدق را بطور مشخص
 نشان - داده اند. بکه نظریاتی ابراز میدارند که در تضاد با
 افکار و عقاید دگر مصدق است. در نزد " جنبه ملی " منظور از
 " حکومت ملی " ماهیت این حکومت بر پایه آن دور نمای آن،
 هیچکس روشن نیست و جنبه ملی هیچگاه در پرورش ساختن
 آن نبود. - در واقع " جنبه ملی " از اعتبار نفوذ دگر مصدق
 پرچی - سازد و همه را گرد آن فرا میخواند. هدف وی این
 است که - سو استفاده از واژه " جنبه ملی " کارگزاران را
 از سار - سیاسی خود محروم سازد. از مبارزه مستقل بازدارد
 و از تحریف آرمانهای بی جنوکید. اما حسن چیزی فقط در عالم
 خیال میباشد بنحقیق میبوند. طبقه کارگر ایران پنجده سال
 است که حرب سیاسی خود را تشکیل داده است مبارزه وی صرف
 این مدت او را پیش از هر صده دیگری آماده آید پده آگاه و
 متشکل - حده است. آرمانهای او، مبارزه او در جهت حرکت و
 تکامل جامعه انسانی است بهمین جهت سازمان سیاسی طبقه
 کارگر تباری نمی بیند ماهیت طبقاتی خود را میبوشاند. برعکس
 - مان مارکسیستی - لنینیستی توفان سازمان سیاسی
 طبقه کارگر ایران است سازمانی مجهز به مارکسیسم - لنینیسم
 و اندیشه مائوسه دون. مارکسیسم - لنینیسم علم به قوانین عینی
 تکامل طبیعت و تکامل جامعه است. این دانش مانند هر دانش
 دیگر در یک نقطه متوقف نمیمانند و پیوسته در انطباق با پراتیک
 انقلابی رشد مییابد. اندیشه مائوسه دون همان مارکسیسم -
 لنینیسم است که با احکام و قوانین تازه تکامل و تنای پیشتری
 یافته است.

ایران ن - میدهند. بالنتیجه آنها جنبه انقلابی مسئله ملی
 جنبه - امپریالیستی - را از آن سلب میکنند و آن را در
 چهارچوب سده و سست بورژوازی های ملل مختلف ایران با یکدیگر
 محدود میسازند. بنظر آنها گویا چنین امکانی وجود دارد که
 تسلط امپریالیسم بر ایران همچنان برقرار باشد، هیئت حاکمه
 کونی در دست قدرت بماند و معذک ملتی از ملت های اقلیت
 ایران حق تعیین سرنوشت خویش را بیابد. بدیهی است که
 چنین نظریه ای رفرمیستی است و دراز واقعیت و طبیعت امپریا -
 لیسم جهانی و رژیم دست نشانده آن است. در جهان کونی
 ما، در برابر امپریالیسم، حق تعیین سرنوشت فقط در اثر غلبه
 بر امپریالیسم و رژیم دست نشانده آن بدست خواهد آمد و چنین
 غلبه ای مفصل را در پیکار متحد و طولانی همه ملت های کشور واحد
 حاصل خواهد شد. هرگونه تفکیک قوای این ملت ها، هرگونه
 تجزیه سازمان های توده ای آنها، هرگونه اخلاف در حزب
 واحد صفت کارگر آنها بزبان مبارزه ملی و ضد امپریالیستی
 بسود استعمار خواهد بود و حل مسائل مختلف جامعه کونی
 ما و از جمله حل مسئله ملی ملت های مختلف ایران را بتأخیر
 خواهد - احت.

در نظر محافظ لنینیستی و فاشیستی ایران را که در صد
 نفخ اخذات ملی و انگار ستم ملی در ایران اند نظری باطل
 پوشیده به ضد انقلابی می شماریم و معتقدیم که پیروزی انقلاب
 ملی و دموکراتیک بر رهبری طبقه کارگر باید زمینه حل مسئله
 ملی درونی ایران را بر اساس حق ملت های ایران در تعیین
 سرنوشت خویش فراهم کند. و خواهد کرد. ولی همچنانکه
 لنین میسازد ما مسئله ملی و مستعمراتی را جزئی از مسئله
 عمومی انقلاب جهانی پرتاریاتی میدانیم و در انقلاب ایران خط
 مرزی را بین ملت های ایران از یک سو و امپریالیسم و هیئت
 حاکمه دست نشانده آن از سوی دیگر رسم میکنیم نه در میان
 ملت های مختلف ایران.

ما از اینکه در مبارزه انقلابی خود از دانش پرولتاریا و از
 قوانین آن مدد میگیریم خود را سر بلند احساس میکنیم. ما
 هیچگاه پنهان ندانسته ایم که از بزرگان دانش پرولتاریا مایه
 گرفته ایم و میگیریم. اصولاً دانستن و بکار بستن قوانین علوم
 مختلف مثلا قواعد مکانیک نیوتن یا قوانین نسبیت انشتین یا
 پیروی از تئوری - ارون و غیره درخور نگاهش نیست. شکفاکت
 که " مایه گرفتن از بزرگان علم و دانش جهان بورژوازی را مایه
 جاهات میدانند. بر آنند که مایه گرفتن از دانش پرولتاریا
 پنهان داشتن " بیماکی " خویش است. اگر پیروی از قوانین
 این یا آن علم و بکار بستن آنها در عمل پنهان داشتن " بیماکی
 خود در زیر سر بزرگان آن علم نیست پیروی از " بیگانسه "
 نیست چرا در نزد نویسندگان " ایران آزاد " پیروی از دانش
 مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوسه دون و بکار بردن آن در
 مبارزه انقلابی سر نه پنهانیدن " بیماکی " خود " با سپر لنین
 مائوسه دون و - بر انقلابیون جهان " است؟ بدیهی است صفا
 استثمارگر و ستمگر نمیتوانند و نمیتوانند مارکسیسم - لنینیسم
 اندیشه مائوسه دون را به علم بیبدینند. این علم انعکاس دهنده و
 پیش بینی کننده، مرگ و نابودی آنها است. باید ادعان کرد
 که نویسندگان " ایران آزاد " نیز چنین دیدی به دانش مارکسیسم
 می نگارند.

بیپوده است که آنها از " راه ایرانی انقلاب " سخن
 میگویند که کیه " با استفاده از همه تجربیات انقلابی خلق -
 های دیگر - خود - بنحصر آن مشمولند. ما از هم اکنون به
 این انقلابیون حسن جوکر و متفحص هشدار میدهم که نه راه
 مصدق راه رهائی خلق ایران از فقر و سیه روزی و عقب ماندگی
 است و نه راهی نام " راه ایرانی انقلاب " میتواند وجود داشته
 باشد. راه انقلاب ایران راه اکبر است راه انقلاب چین است،
 راه انقلاب آلبانی است، راه انقلاب ویتنام است، راهی است که
 مارکس، انگلس، لنین، استالین و مائوسه دون به پرولتاریای جهان
 و از آنجمله صده کارگر ایران نشان داده اند. ما راه این بزرگان
 را می پوشیم از - ینه های آنان مدد میگیریم از قوانین علمی
 که آنها کشف کرده اند برای پیروزی انقلاب ایران استفاده میکنیم
 برای رهائی ملی و اجتماعی خلق زحمتکش چین ما جز این راهی نیست
 هر راه دیگری به - ن بست و بیراه خواهد افتاد.

" سازمان جنبه ملی ایران (بخش ارویا) " آنگونه که
 تا امروز از نوشته های " ایران آزاد " بر میآید سازمانی است
 که علیه امپریالیسم و نوکران ایرانیش مبارزه میکند. انگار این امر
 در حکم نفی واقعیت است. اما هرمان " جنبه ملی " هیچ سازگاری
 دیگری را جز خود - برسمیت نمی شناسند و بر آنند که همه خلق
 ایران به هر طریقه و تفرقی که تعلق داشته باشند باید در " جنبه
 ملی " گرد آیند و زیر رهبری وی به نبرد بپردازند. هر سازمانی
 که به این حوسنتن ندهد آنرا بیاد تهمت و ناسزا میگیرند
 و عجب آنکه ناسر کونی خود را بحساب دیگران میگذارند. آنها
 با این شیوه خود - موانعی میآفرینند بر سر راه مبارزه مشترک
 و وحدت عمل گیه نیروهائی که واقعا علیه رژیم می رزمند.
 این شیوه در نزد آنها تاریکی ندارد و انعکاسی از طرز تفکر نادرست
 آنها و ناشی از عدم توجه بواقعیات و غوطه خوردن در بندارنگا
 واهی است. چیزی که نمیتواند بکار مبارزه خلق زبان نرسانند.
 ما بر آنیم که همکاری مشترک سازمانهائی که واقعا علیه
 امپریالیسم شاه، هیئت حاکمه ایران در نبرد اند، در هر زمینه ای
 که امکان آن پیدا شود (و چنین امکاناتی کم نیست) مبارزه را
 مؤثرتر و شریختر خواهد ساخت. آیا " جنبه ملی " سر انجام
 به این حقیقت که از واقعیت برمیخیزد توجه لازم میدول خواهد
 داشت؟ این چیزی است که آینده نشان خواهد داد چیزی
 است که مبارزان واقعی انقلاب ایران خواستار آنند.

تصحیح

خواهش میکنیم در شماره ۳۳ ماهنامه توفان در صفحه ۲
 ستون ۲ بند پنجم را اینطور تصحیح بفرمائید:
 " بزودی سایندهگان جمهوری دموکراتیک ویتنام، دولت
 موقت جمهوری ویتنام جنوبی و جنبه میهن پرستانه " لائوس برای
 ایجاد وحدت عمل - زینبر با امپریالیسم و دفاع از خلق کامیون کفتر
 تاریخی تشکیل - دهند "

گسترش و پیروزی انقلاب وابسته به وجود حزب انقلابی پرولتری است

واقعیات و تبلیغات

روزنامه‌های اطلاعات و کیهان با خط درشت مزه در اندک
که "ایران به آلمان لباس صادر میکند".
تری در ضمن تشریح خبر، مشکل کوچک و ناچیزی را متذکر
شده است: "فعلاً مشکل اساسی صدور لباس نیست که کارگاههای
دوخت لباس ماشینی نیستند و به علت بالا رفتن هزینه تولید،
قیمت سایر کتان تمام میشود".
براین قیاس ممکن است در روزنامه‌های ایران اخبار دیگر
نیز حساس از این قبیل: "ایران به آمریکا راکت صادر میکند"
... بعد مشکل اساسی صدور راکت نیست که ایران کارخانه
ساخت آن را در اختیار ندارد."
و چنین است نمونه واقعیات و تبلیغات کشور آریامهر!

پنجاء - سی... بقیه از صفحه ۱ بیسابقه‌ای ارتقا داد.
حزب توده ایران با مبارزات بی کبر و خشم و کینه امیر-
بالیس و ارتجاع را برانگیخت و به همین جهت در دوران حیات
خود عجبگاه از حمه و هجوم آنان در امان نماند. کودتای شوم
مرداد ۱۳۳۲ که امیربالیس و جاکرانش را بر سر اسرایران مسلط
ساخت. سازمانهای حزب توده ایران را که در پنهانکاری
فدایی میکرد با توسل به فشار، شکنجه‌های غیر انسانی، زندان
و اعدام شکنجه کرده‌های از رهبران و کادرهای حزب نیز
مجبور به مهاجرت گردیدند.

ر مهاجرت، حزب توده ایران پایبندی حزب کمونیست
انجا - سروری بیسی رویزیونیسم و اپورتونیسم کرائید و به اید-
ثونوری و آرمانهای طبقه کارگر ایران پشت کرد.

عده‌ای از سازمانها و اعضا انقلابی حزب که به مارکسیسم
لنینیسم وفادار ماندند و سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان
گرد آمدند و هم اکنون در شخصیت این سازمان، سازمان سیاسی
طبقه کارگر ایران ادامه مییابند. سازمان توفان، وارث سنت‌های
انقلابی حزب کمونیست ایران، گروه ارانی و حزب توده ایران است.
حزب طبقه کارگر ایران در طول پنجاه سال حیات و
مبارزه خود، حوادث غم انگیز و مشکلات بسیاری را از سر
گذراند است، بارها مورد دستبرد امیربالیس و ارتجاع قرار
گرفت، سرجمانه سرکوب شده، سازمانهایش متلاشی گردید، و
رهبران و یارانش را شکنجه و مرگ گرفتار آمدند. ولی رهبران
کاز بی اوفتاده دوباره پرتوان ترو نیرومند تیرخاسته و
همچنان به نبرد ادامه داده‌است.

حزب طبقه کارگر ایران در طول پنجاه سال زندگی خود
همیشه در جانب راست و اخیراً از جانب گروه‌ها، عناصر چپ
مورد حمه و هجوم قرار گرفته و اتهامات ناروا و دشنام و ناسزا
شنیده است. ولی هیچ نیرویی هیچ اتهام و ناسزائی قادر
نیست - رحشندگی حیات حزب طبقه کارگر ایران را بپوشاند و
خداشناسی آنرا خنق ایران در زیر پرده‌گذاری.
رده‌های ویران حزب طبقه کارگر ایران!

ان و خائنان دشوار ترو شناخت آنها آسان تر خواهد شد.
تاریخ نشان داده است که بالاخره تشبیهات دشمنان خلق در
حوادث شکست، سازمان مارکسیست لنینیست ها و جبهه خلق
روز بروز نیرومند تر و خلال ناپذیر خواهد گردید.

رفقای عزیز! هموطنان گرامی!
رژیم شاه ضحنا در این صحنه سازی خواسته است کفدر را
سیون دانشجویان و محصلین ایرانی را آلوده جلوه دهد و از
عشار ببیند از. این بار اول نیست که رژیم شاه به دشمنی با
کفدر راسیون برمیخیزد. این نشانه صحت تاثیر مبارزات ملی و
امیربالیستی کفدر راسیون است. از کفدر راسیون دانشجوی
و محصلین ایرانی در برابر شاه و سازمان امنیتش دفاع کنیم.
پس روزی با ما است.

برقرار و استوار باد اتحاد کیه نیروهائی که بر ضد رژیم
ستیدادی و استعماری محمد رضاشاه و در راه ایجاد ایرانی
ر و سر بلند و آباد مبارزه می کنند.
درود پرشوره کیه زندانیان سیاسی.
ننگ و غمغری برخائنان و جاسوسان.
مرگ بر حکومت تبهکار محمد رضاشاهی.

سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان

۱۵ خرداد ۱۳۴۹

بدون واژگونی نظام
میتوان با استقرار نظام نوین دست زد. بدون سرنگونی می-
توان از عهد سرنگونی برآمده بدون کینه طبقاتی میتوان مبارزه
سکاتی را از پیش برد. رویزیونیست ها بنده و اسیر واقعیت
موجود اند و تشبیهاتشان نتیجه دیگری جز فریب توده هاندارد.
لنین یارها از این "واقع بینی" ارتجاعی اپورتونیست ها
برده برداشته است. در همان دوره پایه گذاری سوسیال دمو-
کراسی انقلابی روسیه که ارکان اپورتونیست های روس نوشتند
جمله: "آن مبارزهای مطلوب است که در حیطه امکان باشند و
نه راهی هم که حیطه امکان است همان است که در حیطه فعلی
حریان دارد." لنین بر کرده اوچنین شلاق زد: "این درست
صریقت همان اپورتونیسم بیکرانی است که بطور غیر فعال و خود
باجریان خود بخودی هم آهنگ میسازد" (چه باید کرد؟
صفحه ۳۰۳) زیرا که هم مبارزهای که "در حیطه فعلی" جریان
ر در حتما تمام آن مبارزهای نیست که در "حیطه امکان" می-
گرد. این نظریه تیره کننده کیه جریانات اپورتونیستی در
سخت کارگری و انقلابی است. نفی کننده نقش تئوری و عمل
که در جنبش است. نفی کننده این واقعیت است که "افکار
صحیح که خاص طبقه پیش آهنگ است همینکه در توده ها نفوذ
ر بصورت نیروی مادی در می آید که میتواند جامعه و جهان
ر در کون سازد" (مائوتسه دون). مائوتالیسم دیالکتیک
ر واقعیتی نظر دارد که در حرکت خود تأیید میشود و
ر میکند نه آنکه نفی میشود و زوال می یابد. رفیق مائو-
سه دون که امیربالیس و هر نیروی ارتجاعی را بپراگندگی می-
ر به همین معنی است. زیرا که سیر تاریخ در جهت نفسی و
یوال امیربالیس و هر نیروی ارتجاعی است. کمونیست ها وظیفه
ر اند که سیر تاریخ را تسریع کنند نه اینکه در مسیر تاریخ
نماشنا بایستند. این تماشاگری ارتجاعی را نباید با واقع بینی
انقلابی اشتباه کرد.

چندی پیش یکی از خبرنگاران درباری ایران شادمانه
جور داد که وزیر خارجه سابق آمریکا (ژوزپازون) پس از ملا-
قات تیرخی از سران عرب در تهران اظهار خوش بینی کرده و
گفته است: "خوش بینی من ناشی از آن واقع بینی است که
ر نزد سران عرب سراغ دارم" و اشاره او بان عده از سران
عرب است که در برابر قدرت فاشیستی اسرائیل گرفتار سر-
شده اند و بقبول توصیه‌های سازشکارانه و تسلیم طلبانه آمریکا
و سروری تمایل نشان میدهند. این "واقع بینی" آنها امیر-
بالیس آمریکا را به خوش بینی رسانده است!

"واقع بینی" رویزیونیست های حزب توده ایران نیز
ار همین نوع است.

البته باید تسلط ارتجاع و خونخواری و درندگی او را
ر به باید نیروی او و شیوه های عمل او را دقیقاً سنجید. باید
ساره با او را همشمارانه جدی گرفت. ولی نباید حزم انقلابی

انه میدرباره... بقیه از صفحه ۱ امیربالیست ها یا رویزیونیست
هادران دخالت و نظارت نداشته باشند. حکومتی که افتخار
بایست که بزرگترین غارتگران جهان امیربالیستی را برای حراج
میمن ماتحت عنوان کنسرسیوم سرمایه گذاری در تهران گردم
می آورد حکومتی که برای سرمایه‌های امیربالیستی آسیا زات
حاص از نوع امتیازات معمول در مستعمرات قائل شده حکومتی
که بارگوشن قرضه های امیربالیستی و رویزیونیستی را بر دوش
سل آینده ایران نیز گذاشته، با شعبده یک یا چند مرتبه میخوا
هد بهمه بقبولاند که اقتصادش ملی است؟

"مرجع کمونیستی" کشف دیگری نیز برای محمد رضا
شاه کرده و گفته که اگر سو تفاهمی در نزد ملت ایران پیدا شو
ر اثر نبودن آمار است! بویژه دانشجویان ایرانی در خارجه
سخت نبودن آمار از ترقیات معجزه آسای کشور آریامهر
بجبر می مانند!

گویا سازمان امنیت در موقع تنظیم این "فتوا" فراموش
کرده است که روزنامه های کوش بقمرانش هر چند گاه آمارهای بلند
سالانی درباره صادرات و واردات درباره جمعیت کشور در راز
ضد ها و جنایات درباره دبیرستان ها و دانشگاهها، در باره
اصلاحات ارضی و غیره و غیره منتشر می کنند. گویا از یاد برده
است که هر وقت محمد رضاشاه سخن کزافی درباره فلان رشته
اقتصاد کشور بر زبان میراند فردا بنگاهها و روزنامه ها جد ول
ماران را میکشند. سازمان امنیت بروی خود نیاورده که طبق
ر ستور او بسیاری از سفارتخانه‌های ایران در خارجه نشریه هلی
آر برای اطلاع دانشجویان ایرانی منتشر می کنند.

پس کسی نمیتواند مدعی شود که آمار نیست. آمار هست
بی مخدوش است و بسود رژیم کودتا مخدوش است. اما همین
آمار دست خورده رسمی هم گواه محکومیت نظام پوسیده است. آمار
ر و کشور است. همین آمار نشان میدهد که واردات کشور
مار سالها باین طرف ۶ الی ۷ برابر صادرات است. اگر سرت
عصیم هم میبماند ما در بیغوله ها و کلبه های خشتی و گلی
روزگار میگذراننده شماره جنایات در شهرها در اثر فساد رژیم
و ترویج فرهنگ منحط راهزانه بطور وحشتناکی روافزایش است
میسیون ها کودک از دبستان و دبیرستان محروم اند. سالی ده-
ها هزار جوان پشت در دانشگاه میمانند. سیل بیگاران شهرها
را فرامیکردند. فتوادلها و مالکان بزرگ ارضی درازا قسمتی از
بمین های نامرتوب خویش سالی صدها میلیون تومان بعنوان
افراطی ستانند و رژیم قرون وسطائی همچنان در روستای ایرا
حکمران است. در حالی که مالکیت های پهن و فتوادل هنیوز باقی
است در حالی که دهها هزار هکار از بهترین اراضی دامنه
سند های بزرگ را به سرمایه داران و چپاولگران خارجی تقدیم می-
ر اند. میلیون ها دهقان ایرانی همچنان در بی زمین و بی ثوابی
سیر میگردند و در حصر قطعهای زمین آه میکشند. اینها مستحق
آماری است که خود این رژیم منتشر کرده است. واقعیت از اینها
هم سیاه تر است.

اما آماری که حکومت محمد رضاشاه هرگز جرأت انتشار
آن را ندارد آمار تیرباران شدگان، زندانیان سیاسی، شکنجه-
ریدگان، آمار تظاهرات ضد رژیم، آمار کشتار قبیح فارسی کردستان،
آمار کشته شدگان خرداد ماه خونین ۱۳۴۴، آمار جنایات حمله
ر دانشگاه در بهمن ۱۳۴۴، آمار کشتگان و مجروحان حوادث اخیر
سهران است. این آمار در سینه تاریخ ثبت است. این آمار حاکی
ر است که خلق قهرمان ایران را شندنی نیست. خلق قهرمان
ایران می رزمند.

رفقای عزیز! هموطنان گرامی!

دسیسه جدید رژیم شاه را بر ملا سازیم. هوشیار تر باشیم
صعود خود را فشرده تر گردانیم. افراط سازمان هارا پیوسته در
عمل بیازمائیم. آنهائی را که دروغ میپراکنند و تفرقه می افکنند
سایران صدیق و به مارکسیست لنینیست های حقیقی لجن
می پاشند و فتنه انگیزی می کنند از خود برانیم. با این شیوه که
سرحی از سازمان هادر مطبوعات و تبلیغاتشاهی خود بیبانه
سارزه ایدئولوژیک و سیاسی به نام بردن از این وان وانتساب
فعالیت سیاسی آنها دست میزنند و عملاً خواه و ناخواه عجا پا به
بیس نشان میدهند. مبارزه بر خیزیم. مخفی کاری را بعد اگر
مرعات کنیم. پیوسته پاسداز خلق باشیم. بدانیم که تا امیربا-
لیسم و ارتجاع باقی است سلسله خائنان بی پایان نمیرسد.
بی هرچه ما با توده ها نزدیک تر و آمیخته تر باشیم کار جاسو-

عنوان مکاتبات
X GIOVANNA GRONDA
24030 VILLA D'ADDA/ITALY

حساب بانکی
X GIOVANNA GRONDA
CONTO 12470/11
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
MILANO / ITALY

مرک و ننگ بر امپریالیسم امریکا

جنگ توده‌ای در ظفار

ظفار از امارت نشین های دیگر خلیج فارس اند . امروز بخش‌های بزرگی از ظفار در دست ارتش توده‌ای است . پایتخت ظفار، سلاسه ، از بیم حملات ارتش توده‌ای در حلقه ای از سیم‌های خاردار و درانفراد از سایر شهرها بصر میبرد . زمین هائی که از ۱۹۵۳ بمنظور استخراج نفت به امیرالیهست های امریکائی واگذار شده بود اینک در تصرف ارتش توده‌ای است . جبهه توده‌ای ظفار موفق شده است که در نواحی آزاد شده ، بی‌سوادى را که میراث قرون عدیده و شره سلطه رژیم استعماری بود بکلی براندازد و آگاهی سیاسی کادرها را بدان درجه بالا برد که خبرنگار نویسنده " عالی " نامیده است . خبرنگار مذکور می‌نویسد : " کنیه جنگجویان وحشی کودکان ، مدال نلین و مائوتسه دون برسینه دارند ، آثار مائوتسه دون را درباره جنگ توده‌ای مطالعه میکنند ، خواندن کتاب سرخ را بحر دم می‌آموزند و احترامی بینهایت به چین توده‌ای به این " متحد بزرگ و دوست بزرگ " دارند .

از این دورنمای مختصر میتوان دید که چه شعله امیدى از جنوب خلیج فارس سرکشیده است . مسائل امیرالیهست ها محمد رضاشاه و ملک فیصل را در پرتو این شعله پرورشی میو بازنساخت .

ما بمناسبت آغاز ششمین سالگرد جنگ توده‌ای ظفار به خلق دلسران سرزمین درود صفرستیم . ما در راه اتحاد و پیکار جوانانه خلق های ایران و عرب بر ضد امیرالیهست‌وارنجاج مبارزه میکنیم .

فروزان باد آتش جنگ توده‌ای در ظفار !

ماد مقاله شماره ۳۰ ماهنامه توسان اشاره کرد بیکه آنچه امیرالیهست ها را در خلیج فارس به نشوینانداخته و بتکاپو واداشته و مهربه هائی نظیر محمد رضاشاه و ملک فیصل را بوسط معرکه کشانده اوج نهضت نجاتبخش مردم امارت نشین های خلیج فارس بویژه ظفار (بخش عربی مسقط و عمان) است . امیرالیهست ها و عمالشان کوشش داشتند که سخن از این واقعیت میان نیاورند و " مغفل " خدیج فارس را در سار و سمر میراث استعمار انگلستان خلاصه کنند . ولی بحث بر سر بحرین آنها را مجبور کرد که صریح تر باشند و اضطراب خود را آشکارتر گردانند .

مدیر روزنامه اطلاعات که در توجیه و تبرئه سیاست استعماری کران در مورد بحرین صفحات فراوانی سیاه کرد خطری کلبه های سیاسی افراطی " بحرین و " تحریکات در منطقه خلیج " را یاد آورشد . محمد رضاشاه در مصاحبه با خبرنگاران رادیو تلویزیون فرانسه خواست نگرانی خود را بیوشاند ولی از عهده برنامه ز خبرنگاران باوقوفه ماهیت امر از او پرسیدند : " شواهدى وجود دارد که نشان دهنده آغاز رخنه مشرب مارکسیستی و بزبان صریح تر افکار مائوتی در برخی از شیخ نشین های خلیج فارس است . . . آیا علیحضرت در قبال این پدیده ها نوعی نگرانی احساس نمیکند ؟ " و وی پاسخ گفت : " نادجائی که به کار ما مربوط میشود نه باید زیاد خوشبین باشیم و نه زیاد بدبین . اما بهر حال باید اعتراف کرد که در منطقه خلیج فارس علائمی از رخنه فعالیت های مائوتی وجود دارد .

نماینده ایران در سازمان ملل متحد اشاره کرد که رویزویست های شوروی نیز مانند امیرالیهست ها و محمد رضاشاه از نهضت های منطقه خلیج فارس را خطر آلوده های ندانند .

گنار دیلمانیکی او چنین بود : " بانوجه به تلاش چین کونیست برای نفوذ در منطقه از جمله درین جنبی ، تصور نمیرود که شوروی از بین رفتن آرامش خلیج فارس را بسود خود دید اند .

همه این نگرانی های محافظه ادعای امیرالیهستی و رویزویستی بونیستی دلیل آنست که خلق های خاورمیانه باید با شادمانی و امید به نهضت های منطقه خلیج بنگرند . در این منطقه که یکی از غنی ترین منابع زیرزمینی و یکی از فقیرترین خلق های روی زمین را دارد آگاهی سیاسی جنبش ملی و ضد امیرالیهستی و نوسر به قهر انقلابی در برابر قهر ضد انقلابی رشد میکند و بلور میشود . ظفار را میتوان مرکز و کانون این جنبش بشمار آورد .

واقع بینی انقلابی

روزیونیست ها و ایورتونیست ها مخالفت خود را بسا ناکتیک انقلابی همیشه آشکار نمیکند بلکه گاهی نیز قیافه موافق میکنند و ناکتیک انقلابی را از برخی جهات می ستایند تا دل مخاطب را بدست آورند . ولی در آخر غصه خوارانه سرنگان میدهند و میگویند : " افسوس که واقع بینانه نیست " .

واقع بینی در نظر آنها بمعنای سازش با واقعیت است . خلاصه حرفشان اینست که محمد رضاشاه قتلون دارد تا ناسک و توطی دارد ، از شستنیانی امیرالیهست ها برخوردار است ، سازمان امنیت بر جان و مال مردم مسلط است ، و حال آنکه طبقه کارگر و سایر نیروهای انقلابی غیر ضحک انده پراکنده اند ، دست خالی اند . در اینصورت طرح ناکتیک انقلابی ، تدارک جنگ پارتیزانی موافق واقعیت نیست ، زمینه ندارد .

یکی از رویزیونیست های حزب توده ایران اظهار تأسف میکند که نیروهای ترقیخواه و میهن پرست ایران را منقسم سیاسی را بجای " رئالیسم انقلابی " نشانده اند و هیچیک از آنها به " تحلیل مشخص واقعیت ایران " توجه ندارند . زیرا که در نزد آنها " شوروهیجان انقلابی ، روحیه پیکار جوشی و کین و نفرت بر رژیم ضد ملی ، ضد دموکراتیک شاه " بیش از اندازه ای است که رویزیونیست ها تجویز میکنند . نویسنده مذکور می‌نویسد : " در میان عده ای از دوستان ما این تصور باطل است . بوجود آمده است که . . . یک تحلیل سیاسی که در آن ذکر از آهن ، آتش ، خون ، انهدام ، انتقام و واژگونی و غیره نباشد ، تحلیل انقلابی نیست " (مجله دنیا شماره ۴ سال ۴۶)

آشکار است که این کلمات باعث رنجش خاطر لطیف نویسنده شد و اصولا تکرار این مفاهیم را دراز " رئالیسم انقلابی " مشخص داده است . درست است که در تاریخ حکومت پهلوی هیچ حادثه صهی نیست که با آهن ، آتش ، خون ، انهدام ، انتقام و واژگونی توأم نباشد . تا اینجا رویزیونیست ها هم میتوانند با شما موافقت کنند . ولی اگر نیروهای ترقیخواه و میهن پرست نیز در نتیجه گیری های خود و در تنظیم ناکتیک مبارزه خود به آهن ، آتش ، خون ، انهدام ، انتقام و واژگونی تکیه کنند این دیگر از " رئالیسم " رویزیونیستی بدور است زیرا که در سازش با واقعیت نیست بلکه در جهت تغییر انقلابی آن است . رویزیونیست ها در واقع به تبلیغ این نظریه مشغول اند که بدون انهدام کهنه میتوان به بنای نو پرداخت ، بقیه در صفحه ۳

پنج سال از تاریخی که پارتیزان های ظفار نخستین ضربه را بر نیروهای مستعمراتی انگلستان وارد آوردند (۱۹۷۱) میگذرد و اینک ارتش انگلستان با ارتش نجات بحرین ملی ، بانواحی آزاد شده و با خلقی مطمئن به پیروزی روبرو است . اگر امیرالیهست انگلستان که بقول خود شرمجو خواهد خلیج فارس را تا سال ۱۹۷۱ تخلیه کند در جنگ بر ضد خلق ظفار اینچنین پافشاری دارد بعلمت آنستکه جبهه توده ای آزادی بخش ظفار بصورت پایگاه انقلابی تمام خلیج فارس درآمده است . این جبهه هم اکنون در کارگران عده ای از مراکز نفتی امیرالیهست ها صاحب نفوذ روزافزونی است و پایه های سیادت استعمار را میلرزاند .

دومین نکته جبهه توده ای آزادی بخش ظفار (ستاد صبر ۱۹۶۸) نقش تاریخی در تحکیم پایه های سیاسی و نظامی جبهه بازی کرد و اعلام داشت که نه فقط برای رهائی ظفار بلکه برای رهائی تمام سرزمین های جنوبی و غربی خلیج فارس می جنگد . جبهه توده ای ظفار فدراسیون امیرنشین های خلیج را که بوسیله امیرالیهست ها و با کمک محمد رضاشاه و ملک فیصل طرح ریزی میشود محکوم میکند . جبهه توده ای ظفار هوادار وحدت کنیه خلق های خلیج صرف نظر از اختلافات مذهبی و ملی و نژادی است . یکی از رهبران جبهه به مخبر روزنامه لوموند چنین اظهار داشت : " ما به مهاجرت ایرانیان به امیرنشینان خلیج فارس از دیدگاه ناسیونالیستی و شونیستی نمی نگریم . بسیاری از مهاجران ایرانی پرتلراند و یا منشا اجتماعی بسیار فقیرانه ای دارند . . . ما می‌کشیم مبارزه انترناسیونالیستی مشترک پرتلرهای عرب و ایرانی را در امیرنشین ها بر ضد امیرالیهست و ارتجاع عربی ، استبداد ایرانی و سرمایه داری نفت گسترش دهیم . بعضی از سربازان ارتش

یادآوری تاریخی

چند قرن پیش در اروپا در دوران جامعه فئودال ، طبقه جدیدی پدیدار گشت که حامل شکل جدیدی از مالکیت وسائل تولید و مناسبات تولید و براساس آن افکار و اندیشه های نوینی بود . این طبقه بورژوازی بود که با شعار آزادی ، برابری و برادری ، در پیشاپیش خلق ، در پیشاپیش کارگران ، دهقانان ، پیشه و ران علیه فئودالها مبارزه برخاست ، رژیم کهنه و سوسیده قرون وسطائی را که دوران خود را پیموده بود برانداخت و قدرت سیاسی خود را مستقر ساخت .

بورژوازی منافع تنگ طبقاتی و استثمارگرانه خود را در پشت شعارهائی که خواست همه خلق بود پنهان میداشت ، با دهنفان را از زیر یوغ فئودالها آزاد میکرد برای آنکه آنها را بزرگواران سوایه داری در آورد . آزادی در نزد او تنها بمعنی آزادی بورژوازی برای استثمار توده های زحمتکش بود ، برابری بخاطر آن بود که خود را در سطح " نجبا " و فئودالها قرار دهد و از حالت " طبقه سوم " بیرون آید . با همه این احوال برچیدن بساط نظام قرون وسطائی و آنچه که بورژوازی در پی آن بود خواست همه طبقات و قشرهای مگر جامعه و از آنجمله طبقه کارگر نخواستند بود . بورژوازی در آن زمان صحنه و نماینده منافع توده های مردم بود . از آن زمان اکنون چند قرن میگذرد . بورژوازی دیری است که نقش پیشرو و شرقی خود را از دست داده و به نیروی ارتجاعی ترمزکننده پیشرفت و تکامل جامعه تبدیل شده است .

طبقه کارگر که این کورکن بورژوازی همپای رشد صنعتی رشد کرد ، مبارزه خود را با بورژوازی ابتدا در سطح اقتصادی و سپس در سطح سیاسی آغاز کرد و به پیش راند . سازمانهای صنفی و سیاسی خود را تشکیل داد . شرقی ترین ، علمی ترین و انقلابی ترین جبهه بینی را بنیاد نهاد و آسرا در جریان پرتیک انقلابی تکامل بخشید . در کمون پاریس برای نخستین بار قدرت را برای مدت کوتاهی از کف بورژوازی بیرون کشید و دیکتاتوری پرولتاریا را بجای دیکتاتوری بورژوازی نشانید . شخصیت طبقاتی خود را نه تنها در مبارزه با بورژوازی بلکه در رهبری طبقات زحمتکش بسوی آینده ای آزاد و درحشان و فاعل از استثمار پرورگی نشان داد .

در اکبر یا نخستین انقلاب پرولتاریائی پیروز شد دوران نوین را در تاریخ بشریت گشود ، دوران انقلابات پرولتاریائی ، دوران ساختمان جوامع سوسیالیستی و کمونیستی . سوسیالیسم و کمون نیم آینده بشریت است ، سازنده آن پرولتاریاست پرولتاریا با آزادی خون آزادی تمام بشریت را بهمراه میآورد . هیچ طبقه دیگری قادر نیست این رسالت تاریخی پرولتاریا را انجام دهد . از اینجهت در دوران حاضر پرولتاریا است که مبین آرمانها و منافع توده های زحمتکش است و نه بورژوازی . حتی بورژوازی ضد امیرالیهستی کشورهای زیر سلطه امیرالیهست که میتواند در اینز یا آن دوره معین علیه امیرالیهست مبارزه کند .

اینها حقایقی است که از چند قرن مبارزه طبقاتی نتیجه میشود . ما به ناسفاست که نویسندگان " ایران آزاد " این حقایق تاریخی را نمی بینند یا بعهد آنرا زیاد میبرند .

" جبهه صلی " ایران خود را " سازمان سیاسی خلق ایران " مینامد ، خود را مدافع منافع خلق ایران می نمایاند درست برای آنکه ماهیت طبقاتی خود را بیوشاند . همکس میدانند که خلق ایران به طبقات گوناگونی تقسیم میشود که دارای منافع مختلف و گاهی متضاد اند . خلق ایران امروز هم طبقه کارگر را در بر میگیرد و هم قشر بورژوازی ملی ضد امیرالیهستی را . این دو طبقه رفتنها در حال حاضر بلکه از دیدگاه تاریخی نیز دارای منافع متضادی میباشد . درست است که این هر دو در مبارزه با امیرالیهست و فئودالیسم منافع مشترکی دارند . اما این مبارزه در نزد آنها از دو دیدگاه متناقض و بایی گیری متفاوت انجام میگیرد . مبارزه پرولتاریا علیه امیرالیهست ، مبارزه ای بی کیر و تا پایان انقلابی بخاطر آنست که همراه با ریشه کن کردن امیرالیهست و فئودالیسم ، در راه برانداختن هرگونه استثمار هرگونه ستم طبقاتی رهسپار گردد و مبارزه بورژوازی با امیرالیهست ، مبارزه ای منزله نایی گیر بخاطر آنست که استثمار خود بقیه در صفحه ۲

پیروز باد مبارزه دلیرانه خلق های هند و چین

• نظری به ارقام و آمار •

محمد رضا شاه از اینکه اصلاحات نواستعماری و تبلیغات لگام گسیختنش نتوانسته است توده‌های مردم را بغیرید دچار نگرانی است و در تلاش شعبده‌های است که شاید چشم خلاق را بر روی حقایق فرو بندد .
 اخیراً برخی از مخلوقان ویرانگینگان سازمان امنیت مدعی شدند که علت ختم و اعتراض مردم را باید در نبودن ارقام و آمار جستجو کرد .

روزنامه "توفان" پیوسته در صفحات خود با ستند واقعات و با استفاده از ارقام و آمار موجود نشان داده است که کشور ما کشوری است نسیه مستعمره و نسیه فئودال . ثابت کرده است که هیچگاه میهن ما تا این اندازه در جنگال انحصارهای امپریالیستی اسیر نبوده است .

اینکه برای آنکه خوانندگان گرامی توفان با دید روشن تری به واقعات ایران بنگرند زیرا به انتشار برخی از ارقام و آمارهای مربوط به اقتصاد مالی و صنعتی ایران دست میزنیم . البته ارقام و آمارهای موجود بمراتب بیش از اینهاست . ولی صفحات توفان بیش از این گنجایش ندارد و همین اندازه برای بیان مقصود ما کافی است .

• شماره آینده ارقام و آمار در باره اقتصاد کشاورزی ایران منتشر خواهیم کرد .
 • در یادگذاشته که انتشار این ارقام و آمار که افشا کننده رژیم محمد رضا شاه است سازمان امنیت را به تشدید سانسور مطبوعات و جلوگیری بیشتر از درج اخبار اقتصادی و احادی داشت . ولی آنچه توده‌های خلق را بسبار عیب میدهد آمار و ارقام نیست بلکه واقعیت اجتماعی ایران است .

بدست ایرانی!

• لوله نفتی اهواز - اسکندرون بوسیله کمپانی انترپروز فرانسه و بکتل امریکائی ساخته میشود .

(اطلاعات ۲۷ اردیبهشت ۱۳۴۹)
 • پالایشگاه نفت شیراز را شرکت استنام پروگنی ایتالیا در مقادیر ۲۸ میلیارد لیر بحساب شرکت ملی نفت میسازد .
 (اطلاعات ۲۷ اردیبهشت ۱۳۴۹)
 • شاه لوله نفت سراسری بوشهر - قفقاز را قرار است شرکت امریکائی آیک بسازد .
 (کیهان ۱۸ فروردین ۱۳۴۹)
 • پیمان با هلیکوپتر در داخل خاک ایران در دست یک شرکت

• تهران اکنون بیست و دو اسفند ۱۳۴۸)
 • نسیات برق منجیل را کسرسیومی مرکباز کمپانیهای بریتانیسی می سازند .

(تهران اکنون بیست و دو اسفند ۱۳۴۸)
 • کارگاه یک شرکت خارجی در ایران که جمع سرمایه‌اش یکصد میلیون ریال بوده . . . راندمان سالیانه‌اش بیش از یکصد میلیون ریال (حدود دویست میلیون تومان) بوده است و این رقم سه برابر افزایش است .
 (خواندنیها ۴ تا ۷ مرداد ۱۳۴۸)
 • استخراج کوکورد سواحل خلیج فارس در دست شرکت امریکائی سنکو است .

(تهران اکنون بیست و شش مهر ۱۳۴۸)
 • جهت گاز سراسری ایران برای مملکت ما ۶۰۰ میلیون دلار هزینه بر میدارد و از باب این مبلغ که از کسرسیوم بانکهای اروپائی وام گرفته شده باید سالیانه تا بیست سال ۴۸ میلیون دلار بابت بهره و ۳۰ میلیون دلار بابت اصل پرداخت شود .
 (تهران اکنون بیست و شش مهر ۱۳۴۸)

• کیه طرح هائی که دولت ایران با اعتبارات بانک جهانی (آمریکا) میکند باید قبلاً از طرف بانک مذکور تصویب شود .

(اطلاعات ۱۷ آبان ۱۳۴۸)
 • ساختمان سد دز ۹ کمپانی امپریالیستی شرکت داشته اند . رئیس آلمانی در فروش ترانزاتورها ، هیتاچی ژاپنی در فروش توربین ها ، ژنرال الکتریک کانادائی در فروش ترانسفورماتورها ، وول و ری امریکائی در فروش هدایت کننده توربین ها ، ایسترن - پاور - ک - ائی در فروش کلید های بزرگ ، فواست اطریشی در فروش - یازده های ورودی آب به توربین ها ، کمپانی سورفام - برنر در فروش دروازه های خروجی آب سد ، ژنرال الکتریک - کانادا در فروش ترانسفورماتورها . طرح سد را کمپانی ایتالیائی اگریکوئیت داده است .

(گزیده سه ساله نوشته آل احمد . بخش گزارش از خوزستان)
 • استخراج بهره برداری از معدن سرگردان (معدن چشم) به شرکت انگلیسی سلکشن ترانت واگذار شده است .
 (کیهان ۳ دی ۱۳۴۸)

• هتل کینگز بوسیله شرکت سوئیسی ساخته شده است .
 • هتل ایران است که سرمایه این هتل مجهز و زیبا عملاً از خارج کشور آورده شده است .

(تهران اکنون بیست و نه آذر ۱۳۴۸)
 • شبکه تلفن و تلگراف در سراسر ایران بوسیله یک کسرسیوی بی اس سی تحت نظارت کارخانه امریکائی فیدرلی هیلز صورت خواهد گرفت .

(کیهان ۲۱ بهمن ۱۳۴۸)
 • سد کارون بوسیله شرکت دولتی ایرانی بنام سایپرو شرکت فرانسوی سامر ساخته میشود . شرکت اخیر ۷۵ درصد را میدهد . توربین های برق هم که در حدود ۱۵ میلیون دلار قیمت دارد از کارخانه فرانسوی آلستوم خریداری خواهد شد .
 (تهران اکنون بیست و دو دی ۱۳۴۸)

• سد " رضا شاه کبیر " بر روی کارون با سرمایه فرانسوی (۲۲۷ میلیون فرانک) ساخته میشود .
 (اطلاعات ۳ اسفند ۱۳۴۸)

گوشه‌ای از غارت نفت

خیانت رژیم کودتا در مسئله نفت منحصر به نقص قانون ملی شدن صنعت نفت و واگذاری منابع عظیم نفت به کسرسیوم بین المللی نیست . رژیم کودتا در سال های بعد با استفاده از اختناق که در میهن ما برقرار ساخته قسمت های دیگر از ذخائر گرانبهای نفت ایران را طبق قراردادهای راهزنانه در اختیار امپریالیست های مختلف گذاشته است . اینک برخی از این قراردادهای:

- قرارداد با کمپانی پان امریکن (ایپاک)
- قرارداد با کمپانی ایتالیائی انسی
- قرارداد با سرمایه داران هندی و ایتالیائی و فیلیپس امریکائی که با شرکت ملی نفت با اصطلاح شریک شده " شرکت نفت بین المللی - ریائی ایران " را بوجود آورده اند .
- قرارداد با کمپانی اراپ فرانسیسی
- قرارداد با گروه کنتینانتال
- قرارداد با " گروه نفتی اروپائی " .
 و غیره . . .

(اطلاعات ۱۳ مرداد ۱۳۴۸ - تهران اکنون - بیست و یک خرداد ۱۳۴۵)

• محمد رضا شاه میگوید: " هدف ما بدست آوردن قیمت بیشتر از نفت ایران نیست . . . مسئله برای ما عبارت از این نیست که امتیازات بیشتری بدست آوریم بلکه فقط میخواهیم . . . نفت بیشتری بفروشیم " .
 (اطلاعات ۷ خرداد ۱۳۴۹)

• تهران اکنون بیست و دو آذر ۱۳۴۸)
 • قیمت فرآورده های صنعتی آمریکا از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۷ تا حدود ۱۱۰٪ درصد بالا رفته ولی قیمت نفت خام در این مدت ثابت مانده است . استفاده دولت های امپریالیستی در سال ۱۹۶۷ در حدود ۷ برابر کشورهای صاحب نفت بوده است .

• اوک معتقد است که قیمت کالاهای امپریالیستی روز بروز رو به ترقی میرود و قیمت نفت خام تنزل می یابد و یا ثابت میماند و این امر باعث میشود که قدرت کشورهای صاحب نفت روز بروز کاهش یابد و هرچه از اضافه درآمد و اضافه تولید بدست میآورند بصورت اضافه بهای کالاهای ممالک امپریالیستی بآنها برگردانند . در نتیجه کشورهای صاحب نفت با آنکه ظاهراً اضافه درآمد بدست میآورند در واقع مقدرات خرید بیشتری ندارند . ایران در چند سال اخیر " در حقیقت آنچه را که از اضافه درآمد نفت بدست آورده از دست دیگر بهمین کشورها (کشورهای امپریالیستی) پرداخت نموده است " .

(اطلاعات ۱۹ مرداد ۱۳۴۸)
 • شاه در آمریکا خطاب به امپریالیست های امریکائی گفت: " هرستی که از فروش هر بشکه نفت در آمریکا بدست می آوریم در خود آمریکا خرج خواهیم کرد و اجناس امریکائی خواهیم خرید . . . هرملخی که ما از صدور نفت با امریکسا بدست می آوریم در خود آمریکا مصرف فرید اجناس امریکائی میروانیم " .
 (اطلاعات ۶ آبان ۱۳۴۸)



وام های کهرشکن

میزان وام هائی که رژیم محمد رضا شاه از خارجه دریافت داشته بقدری زیاد است و نرخ بهره آنها بقدری بالاست که وام های جدید دریافتی دولت بزحمت برای پرداخت اقساط وام های قبلی کفایت میکند . مثلاً ایران در دوره برنامه سوم شش میلیارد ریال وام گرفت ولی در همان دوره مجبور بود پنج میلیارد و نیم ریال از بابت بهره وام های قبلی پرداخت کند . . . نرخ بهره وام های ایران در بسیاری موارد از ۱۲ درصد تجاوز میکند . (خواندنیها ۲۱ خرداد تا ۳ تیر ۱۳۴۸)
 • بانک جهانی (آمریکا) در عرض پنج سال (۱۳۴۴ - ۱۳۴۸) حدود متوسط سالیانه چهل میلیون دلار بایران وام داده و امیدوار است که در پنج سال آینده این رقم را به دو تا سه برابر برساند . (اطلاعات ۱۷ آبان ۱۳۴۸)

• ایران در سال ۱۳۴۸ مبلغ ۷۰ میلیون دلار از بانک جهانی وام گرفت .
 • ایران برای اجرای برنامه چهارم باید مبلغ ۲ میلیارد دلار وام بگیرد . (اطلاعات ۲۷ آبان ۱۳۴۸)

• ایران در سال ۱۳۴۸ مبلغ ۱۹۵ میلیون دلار و در سال ۴۹ - ۴۰ مبلغ ۲۶۰ میلیون دلار بابت وام های گذشته و بهره آنها پرداخت کرد و میخواهد کرد . (تهران اکنون - بیست و یک آذر ۱۳۴۸)

• کشورهای اروپای شرقی در طی سال های اخیر از جمله بحرین اعتبار دهندگان بایران بوده اند . میزان اعتباراتی که شوروی و سایر کشورهای ریزیونیستی در اختیار رژیم کودتا گذاشته اند از یک میلیارد دلار تجاوز است .
 • ایران " در سال گذشته بیش از نیم میلیون دلار بابت بهره وام ها به شوروی و در حدود ۶۰۰ هزار دلار به سایر کشورهای اروپای شرقی پرداخته است " . (کیهان ۷ دی ۱۳۴۸)
 • معاون نخست وزیر در مورد بودجه سال ۱۳۴۹ گفت: " اگر در مورد وام های خارجی مشاهده میشود که بودجه سال آینده وام های مذکور جهشی دارد ، نشانه آنست که اعتبار ایران در خارج بالا رفته است " .
 (کیهان ۲۲ بهمن ۱۳۴۸)



اضاعات ۳۰ فروردین ۱۳۴۹ فعالیت بازار تهران شروع شد

معاملات نابرابر

وزیر منابع طبیعی گفت "وقتی ایران اینهمه چوبدار واقعاً وارد کردن یا داشتن صندوق چوبی رومانی، لهستانی و دانمارکی برای ما خجالت آوراست... ما یک مترچوبگرد را ۱۰ دلار میفروشیم. این چوب را در خارج به روکش تبدیل میکنند و آن را تقریباً ۱۵۰۰ دلار میفروشند".

(کیهان ۲ اسفند ۱۳۴۸)

در سال گذشته واردات ما نزدیک به ۷ برابر صادرات بوده است.

(مجله اقتصاد و صنعت مرداد ۱۳۴۸)

ایران از محل صدور کالاهای "صنعتی" خود ارزش اندکی بدست میآورد زیرا که قبلاً برای تولید کالاهای مذکور از خارجی به منظور خرید مواد اولیه و ماشین آلات و حتی متخصصین پرداخته است.

(تهران اکونومیست ۵ مهر ۱۳۴۸)

در سال ۱۳۴۷ واردات ایران از تایلند بیش از ۸۳ برابر صادرات ایران به تایلند بوده است.

(اطلاعات ۲۲ آبان ۱۳۴۸)

شرکت های کشتیرانی خلیج فارس با رویا در سال ۱۹۶۵ نرخ حمل کالا را از خلیج فارس با رویا ۱۰ درصد و در سال ۱۹۶۷ ۱۷/۵ درصد و در ۱۹۶۹ ۱۷/۵ درصد و در سال ۱۹۷۰ ۳۰ میلیون دلار در دوره پنج ساله بیش از ۴۰ درصد بالا بردند. با نتیجه ایران در اثر افزایشهای مذکور در سال ۱۹۷۰ لاف ۱۹۷۰ میلیون دلار بیش از رقی که بموجب نرخ های سال ۱۹۶۵ میبایست بپردازد در شرکت های امپریالیستی مذکور خواهد پرداخت.

از طرف دیگر نرخ حمل و نقل دریایی از خط خاور دور هم ده درصد افزایش مییابد و از این بابت هم در سال ۱۹۷۰ مبلغ ۱۲ میلیون دلار اضافی بوسیله ایران پرداخت خواهد شد.

(کیهان ۲۲ آبان ۱۳۴۸)

در حال حاضر پنجاه درصد از ارزش کالاهای "صنعتی" صادراتی ایران از محل کالاهایی است که ایران قبلاً وارد کرده و در ساختن کالاهای "صنعتی" خود بکار برده است. از این قبیل است کالاهای صادراتی فلزی نظیر آلومینیوم، پخچال، اجاق گاز و همچنین انواع منسوجات و تریکو و جوراب. باین ترتیب هر چه صادرات کالاهای مذکور بیشتر شود ایران باید ارزش بیشتری برای وارد کردن محصولات مشکله آنها بپردازد. بویژه که ایران در آرای فروش قستی از کالاهای صنعتی خود اجناسی از قبیل موز و یا مواد مصرفی مشابه دریافت میکند. قسمت مهمی از این کالاهای از طریق تهرانه کشور شوروی و سایر کشورهای ریزو نیستی صادر میشود و یک دلار هم از این بابت نصیب ایران نمیکرد. در چنین شرایطی طبیعتاً افزایش صادرات پخچال، اجاق گاز و تریکو و کالاهای مشابه که برای تولید معادل هر هزار دلار آن علاوه بر خرید ماشین آلات و استخدام مهندسان و مشاورین خارجی، گاه مشهود است. لار کالاهای واسطه (ورق آهن) و یا مواد خام از خارج وارد شده، تنها مشکلی را حل نمیکند بلکه برکسری موازنه پرداختهای کشور را افزایش میدهند. میزان واردات در پنج سال گذشته ۸۸ درصد و میزان صادرات ۲۴ درصد بالاتر رفته ولی کسری موازنه بازرگانی و برابری یعنی صد درصد ترقی یافته است.

(کیهان ۲۶ آذر ۱۳۴۸)

"ایران سالیانه بیش از ۵۰ هزار تن روی و در حدود ۳۰ هزار تن سرب صادر میکند... نگاهی که در این میان از نظر ابراً و کشورهای صادرکننده مواد خام سرب و روی قابل ملاحظه است تفاوت فاحشی است که بین فلز و سنگ معدنی آن وجود دارد... ایران در سال قبل هرتن سنگ روی را ۳۳۰ تومان در بازار جهانی عرضه کرده و حال آنکه حتی در سال گذشته نیز این نرخ برای سنگ سرب و بیش از ۲۰۰۰ تومان بوده است.

میزان روی موجود در سنگ روی ایران بیش از ۵۰ درصد است و بعبارت دیگر دست کم از ۵۰ تن سنگ می توان یک تن فلز خالص حاصل ساخت و باین ترتیب تفاوت قیمتی که بر اثر ذوب فلز حاصل میشود بیش از ۱۳۰۰ تومان است که در حال حاضر نصیب صنایع خارجی... میگرد. همچنین هرتن سنگ سرب در سال گذشته ۶۸۰ تومان از جانب ایران در بازار جهانی عرضه شده و حال آنکه حتی در همان زمان نرخ هرتن سرب در حدود ۲۰۰۰ تومان بوده و این نرخ امسال به بیش از ۲۵۰۰ تومان رسیده است. میزان خالص سنگ سرب ایران نیز در حدود ۶۰ درصد است و در این مورد نیز دست کم با هر دو تن سنگ سرب میتوان یک تن فلز خالص حاصل کرد و در نتیجه تفاوت درآمد برای هرتن سرب با محاسبه قیمت های قبل بیش از ۷۰۰ تومان است.

صادرات صنعتی!

میکنند صادرات ایران صنعتی شده است. اینک به فهرست صادرات ایران در سال ۱۳۴۸ در روزنامه اطلاعات (۲۶ فروردین ۱۳۴۹) مراجعه می کنیم:

فروش	۴۳۰۰۰۰۰	هزار ریال
پنبه	۳۶۰۰۰۰۰	"
مواد معدنی	۸۳۶۰۰۰	"
انواع پوست و چرم	۱۲۰۰۰۰۰	"
خاویار	۴۵۶۳۰۰	"
انواع کبیرا	۳۶۶۷۰۰	"
انواع زبیره	۱۹۹۰۰۰	"
انواع روده	۲۳۰۰۰۰	"
پشم کورک و مو	۹۰۴۰۰	"
ریشه شیرین بیان	۷۹۴۰۰۰	"
سیمان	۳۱۶۰۰	"
کش	۳۰۷۰۰۰	"
روغن نباتی	۲۹۰۵۰۰	"
لینتر	۵۳۲۰۰	"
سایر کالاهای	۳۲۰۰۰۰۰	"

کشت و صنعت

ده هزار هکتار از اراضی زیر سد در خوزستان به شرکتی واگذار شده که ۴۹ درصد سهامش متعلق به یوگو - سلوی است. (خواندن آنها ۱۰ تا ۱۴ تیر ۱۳۴۸)

هجده هزار هکتار از اراضی اطراف دزفول برای بهره برداری به سرمایه داران امریکائی واگذار شده است. (اطلاعات ۱۷ آذر ۱۳۴۸)

ده هزار هکتار از اراضی زیر سد دز به شرکتی واگذار میشود که ۷۰ درصد سهامش متعلق به شرکت فرا - نسرولند امریکائی است. (کیهان ۳۰ دی ۱۳۴۸)

۱۰ هزار هکتار اراضی خوزستان

یک شرکت مختلط ایرانی و امریکائی، بمنظور بهره برداری از ده هزار هکتار از اراضی دشت خوزستان سرمایه گذاری میکند. در مرحله اول پروژه قرارداد ۴۲۰۰ هکتار زمین برای کشت محصول مورد بهره برداری قرار گیرد. آب مورد نیاز این اراضی که در نزدیکی اندیشک واقع شده، از سد محمد رضا شاه پهلوی تامین خواهد شد. ۳۰ درصد سهام این شرکت توسط صندوق توسعه کشاورزی وزارت آب و برق و چند سرمایه گذار خصوصی خریداری شده و هتاد در صد سهام شرکت نیز متعلق به چهار شرکت تجاری امریکائی باشد.

اطلاعات - چهارشنبه ۲۶ فروردین ماه ۱۳۴۹

امسال سیاه ببار گوشت وجود ندارد



اطلاعات ۱۹ فروردین ۱۳۴۹

یکی از خریداران مهم روی و سرب ایران کشور شوروی است که در سال ۱۳۴۷ با همین قیمت ها ۱۵۰۰۰ تن روی و ۲۸۰۰۰ تن سرب از ایران خریداری کرده است. (کیهان ۲۷ آذر ۱۳۴۸)

در سال ۱۳۴۷ یک ثلث از پنبه ایران به کشورهای ریزو نیستی اروپای شرقی صادر شد. یکی از کشورهای مذکور پنبه خریداری از ایران را در اروپای غربی چند سنت پائین تر از قیمتی که میبایست بفرود معامله کرد و باین طریق صادرات پنبه ایران لطمه وارد ساخت.

تهران اکونومیست ۱۵ آذر ۱۳۴۸

کالاهای صنعتی که در ایران ساخته میشود علی رقم ستمگر کم کارکنان و فقدان هزینه هائی از قبیل هزینه حمل و نقل و بیمه و اعتبارات وارداتی و غیره گاه تا سی درصد بالاتر از قیمت کالاهای مشابه خارجی است. در چنین وضعی "تنهاراه برای نفوذ در بازارهای خارج آنست که بی بازارهای تهرانی اکتفا کنیم و بعبارة دیگر کالایی را که معادل پنجاه درصد ارزش آن ارز از ملکت خارج ساخته ایم با کالاهائی که گاه در حدود ده تا پانزده درصد گران تر از قیمت بین المللی است مبادله کنیم."

(کیهان ۲۲ دی ۱۳۴۸)

صادرات انگلستان با ایران بیست برابر واردات این کشور از ایران است. طی شش سال صادرات ایران به انگلیس علی رقم افزایش رکی واردات آن کشور به نصف رسیده است و این البته نشانه ای است از شکست سیاست صادراتی ایران در یک بازار بزرگ.

(کیهان ۱۴ بهمن ۱۳۴۸)

در سال ۱۳۴۸ واردات ترکیه با ایران ۶۶ برابر صادرات ایران به ترکیه بوده است. واردات پاکستان با ایران ۴ برابر صادرات ایران به پاکستان بوده است.

تهران اکونومیست ۲۰ دی ۱۳۴۸

تأثیرات تورم جهانی

این افزایش در کشور هائی نظیر امریکا هفت درصد و در بازار مشترک در حدود ۶ درصد و در بعضی کشورها از حدود ده درصد نیز بالاتر بوده است. معذک چون قسمت اعظم واردات ایران را کالاهای ساخته شده و ماشین آلات تشکیل میدهد و نرخ این کالاها معمولاً سریع تر از قیمت متوسط افزایش نرخها بالا می رود افزایش هزینه وارداتی ایران نیز از سطح متوسط بالاتر بوده است.

افزایش نرخ های جهانی بهر حال موجب شده است که کوشش های عمومی دولت و مردم ایران در زمینه تقلیل مخارج ارزی تقریباً خنثی شود و بطور عمده و بطور متوسط در حدود ۱۲ درصد بالا رفته افزایش ارزش هر کیلو کالای صادراتی ایران (نفتی و غیر آن) بزرگتر از دو درصد بیشتر رسیده است. نتیجه از نظر اقتصاد عمومی ملکت کاملاً روشن است.

حجم واردات در سال گذشته در حدود ۳۰ درصد تقلیل یافته و از ۲۷۲ میلیون تن به ۱۷۶ میلیون تن رسیده اما ارزش واردات تقلیل قابل ملاحظه ای پیدا نکرده است. چنانکه تقلیل ارزش از چهار درصد نیز باین ترتیب...
بعبارت دیگر در حالی که حجم واردات در حدود سی درصد تقلیل پیدا کرده و صنایع و مصرف کنندگان از قسمت مهمی از کالاهای مورد نیاز خود محروم مانده اند کم کم متری بلخیره ارزی کشور شده و مخارج ارزی واردات تقریباً به میزان سال قبل باقی مانده است.
طی این امر را طبعاً در بالا رفتن ارزش کالاهای وارداتی میبایست جستجو نمود. ترفی ارزش از دو عامل ناشی شده است: اول - افزایش عمومی قیمت های جهانی و دوم - ذکر قیمت های بالاتر در فاکتور های وارداتی (که برسی آن از بحث امروز ما خارج است) افزایش قیمت های وارداتی در سال گذشته تقریباً همگرا بوده و بعبارت دیگر در اکثر کشور های بزرگ صادرکننده نرخ کالاهای افزایش قابل ملاحظه داشته است. چنانکه